

Abstract 4

Interdisciplinary Researches in Jurisprudence, Vol.5, No.2, Spring & Summer 2017, Serial. 10

Studying Forward Sale's in Fruits Legitimacy and Its Choice Progress in Forward Sales

*Mohammad Reza Rezvantab**

Date of Received: 2017/01/30

*Javad Shayanfar***

Date of Accepted: 2017/09/25

Farming is a direct resource for society's economically development and nutrients and farmers have the main role in this process. They always face whit challenges in the cultivation process specially whit money. So they start to forward sale's but their bargain has some problems for example the quality and quantity of the fruits is unclear so Islam makes some choices in this bargain for farmers and sellers. In this article we study the status of legal choices in forward selling and conclude that the fruits can be sold in forward selling and the choices can be used in special cases and some of that choices like delaying in paying is not acceptable. We use Analytical – Descriptive method and gather knowledge in desk research way.

Keywords: Choices, Forward selling, Fruits.

* Associated Professor of the Department of Fiqh and Islamic Law Foundations at Tehran University - mrezvan@ut.ac.ir

** Faculty Member at Sistan and Baluchestan University and PhD Student Of Fiqh and Islamic Law Foundations at Tehran University (responsible author) - j_shayanfar@theo.usb.ac.ir

مشروعیت بیع سلف محصولات کشاورزی و بررسی جریان اختیارات در آن

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۱۱

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۷/۰۳

محمدرضا رضوان طلب*

جواد شایانفر**

چکیده

صنعت کشاورزی به عنوان یک منبع مستقیم برای تأمین نیاز غذایی و توسعه اقتصادی یک جامعه محسوب می‌شود که در این میان نقش کشاورزان به عنوان ساکنان داران تأمین این نیاز اساسی انکارناپذیر است. کشاورزان در امر تولید و عرضه محصولات همواره با چالش‌هایی روبرو هستند که از جمله آن‌ها تأمین نقدینگی در دوره کشت است. جهت حل این مشکل کشاورزان غالباً به پیش‌فروش محصولات مبادرت می‌ورزند لکن در این فرض معامله آنان با ابهاماتی مانند عدم ثبت و ضبط کمیت و کیفیت محصول قبل از برداشت همراه است که در موارد مشابه، شارع به منظور جبران زیان وارده، به وضع اختیار برای متعاقدين می‌پردازد. در نوشتار حاضر با هدف بررسی وضعیت اختیارات حقوقی در فروش محصولات کشاورزی در قالب بیع سلف، به این نتیجه می‌رسیم که اولاً محصولات کشاورزی از باب مثلی بودن به گونه‌ای هستند که قابلیت فروش در قالب بیع سلف را دارند و ثانیاً اختیارات در بیع سلف محصولات کشاورزی با شرایط خاص محقق می‌شوند هرچند برخی از اختیارات مانند اختیار تأخیر ثمن به دلایلی قابل اعمال در بیع سلفی محصولات کشاورزی نیستند و برخی دیگر

* دانشیار فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تهران

mrrezvan@ut.ac.ir

** عضو هیأت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان و دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه

تهران - نویسنده مسئول

j_shayanfar@theo.usb.ac.ir

نیز بدون شرط مضاف در بیع مذکور جاری جریان می‌یابند. شیوه پژوهش حاضر، توصیفی - تحلیلی بوده و گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای انجام شده است.

واژگان کلیدی

خيارات، بیع سلف، محصولات کشاورزی.

مقدمه

فروش محصولات کشاورزی از لحاظ نقد و مؤجل بودن محصول یا ثمن، به چهار طریق متصور است که سه نوع آن جایز و یک نوع آن ممنوع می‌باشد. صور جایز عبارت‌اند از: ۱- محصول نقد، ثمن نقد (بیع نقدی) ۲- محصول نقد، ثمن مؤجل (بیع نسیه‌ای) ۳- محصول مؤجل، ثمن نقد (بیع سلف) و حالت ممنوع و باطل: محصول و ثمن هر دو مؤجل (بیع دین به دین) (ره پیک، ۱۳۸۷، ص ۳۷). بیع سلف که به معنای فروختن مالی است که توسط بایع به ذمه گرفته شده، در برابر مال معلومی که در مجلس عقد قبض می‌شود (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۲۴۳)، قاطبه انواع بیع را شامل می‌شود به‌جز آن دسته بیع‌هایی که شرایطی اختصاصی بر خلاف بیع سلف دارند مانند بیع صرف که شرط اساسی آن قبض و اقباض در مجلس عقد می‌باشد (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۸، ص ۳۰۲). یکی از انواع کالاهایی که می‌توان در قالب سلف آن را معامله نمود، محصولات کشاورزی است. معمولاً و بلکه در اکثر موارد کشاورزان، محصولات کشاورزی را قبل از برداشت به فروش می‌رسانند و چنین عقدی در منابع فقهی و قوانین موضوعه ایران، تقنین شده است. بی‌تردید در پیش‌فروش محصولات کشاورزی، شرط معلوم و معین بودن کالا از شروط عمومی عوضین و شرط تعیین کالا از شروط معاملات سلف تا حدود زیادی با بحران مواجه است زیرا کشاورز نمی‌داند کیفیت و کمیت محصول او در آینده چه مقدار است. در محاورات عرفی برای تمثیل ابهام اشیاء، آن را به هندوانه سربسته تشبیه می‌کنند و حال آنکه در بیع سلف محصولات کشاورزی،

هنوز هندوانه‌ای به وجود نیامده است. شاید تکیه بر مقادیر گذشته و پیش‌بینی راه‌حل استفاده از خیارات بتواند نواقص فاصله این بیع از موازین مورد توجه قانون‌گذار را جبران کند. از آنجا که عقد سلف فی‌الجمله جزء عقود لازم است بنابراین فقط به دو وسیله قابل انحلال است: یکی اقاله و دیگری خیار. در نوشتار حاضر به بررسی وضعیت خیارات حقوقی در بیع سلف محصولات کشاورزی جهت رسیدن به پاسخ سؤالات زیر پرداخته شده است:

آیا محصولات کشاورزی قابل فروش در قالب بیع سلف هستند؟ چه خیاراتی در بیع یاد شده جریان دارند و تا چه میزانی می‌توانند نگرانی قانون‌گذار و ذی‌نفعان را در رفع مشکل ابهام عوض کنترل نمایند؟ (درحالی که بشر نمی‌تواند آینده محصول کشاورزی را تضمین کند). مدت‌دار بودن تسلیم محصول کشاورزی در بیع سلف چه تغییری در نحوه اعمال خیارات ایجاد می‌نماید؟

در خصوص ضرورت این پژوهش باید گفت از قدیم‌الایام، کشاورزی در اکثر جوامع همواره مبتنی بر کشت و تولید در مناطق روستایی بوده است و لازمه رشد و توسعه این فعالیت، راه یافتن بی‌واسطه و مستقیم کشاورز و تولیدکننده، به بازارهای عرضه و مصرف داخلی و خارجی محصولات می‌باشد که لازمه‌ی این امر آگاهی کامل کشاورز از حقوق اولیه و قانونی او، در زمینه چگونگی ارائه و فروش محصولات است. در این میان بررسی مسئله پیش‌فروش محصولات کشاورزی که امری شایع بین جامعه کشاورزان است و چگونگی جریان خیارات در این نوع بیع، امری ضروری به نظر می‌رسد.

۱. قابلیت فروش محصولات کشاورزی در قالب بیع سلف

بیع سلف (سَلَم) یا به عبارت دیگر پیش‌فروش عبارت از بیعی است که مشتری در مجلس عقد، ثمن (پول) را می‌پردازد اما مبیع (کالا) در ذمه فروشنده قرار می‌گیرد (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۴، ص ۲۶۷)؛ به عبارت دیگر، اگر تنها مبیع، کلی و تسلیم آن مؤجل

باشد، بیع را سلف گویند (ره پیک، ۱۳۸۷، ص ۳۷). بیع سلف علاوه بر شرایط عمومی صحت عقد بیع - که طبق ماده ۱۹۰ قانون مدنی عبارت‌اند از: ۱- قصد طرفین و رضای آن‌ها؛ ۲- اهلیت طرفین؛ ۳- موضوع معین که مورد معامله باشد و ۴- مشروعیت جهت معامله - دارای شرایط اختصاصی به شرح ذیل است:

الف) تحویل مبیع باید مؤجل و معین باشد (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۲۶۲)؛ البته زمان تقریبی نیز کفایت می‌کند. در واقع باید زمانی برای تحویل کالا تعیین شود که کالا در آن زمان یافت شود؛ بنابراین در بیع محصولات کشاورزی در قالب سلف، باید زمان تحویل همان زمان برداشت محصول باشد. از باب نمونه، زمان تحویل میوه‌های زمستانی، فصل زمستان و تحویل محصولات تابستانی، فصل تابستان می‌باشد. البته در مواردی که مطابق شیوه‌های جدید کشاورزی، امکان کاشت و برداشت توسط گلخانه‌ها، در فواصل زمانی کمتری امکان دارد، علی‌القاعده بیع سلف این محصولات در زمان‌های مختلف امکان‌پذیر است.

ب) جنس مبیع ذکر شود؛ منظور تعیین حقیقت نوعیه است مانند گندم و جو (شهید اول، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۲۴۷).

ج) وصف مبیع ذکر شود؛ منظور از وصف در این شرط، اوصافی هستند که جهل نسبت به مبیع را کاملاً برطرف می‌نماید و بین افراد آن نوع فرق می‌گذارد و باعث تفاوت قیمتی می‌گردد که از دید عرف قابل مسامحه نباشد مانند وصف سفید یا سرخ بودن گندم (محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۲۰۹).

د) قبض ثمن قبل از جدا شدن بایع و مشتری از یکدیگر باشد (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۵۷؛ عراقی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۳۵۰). علت وجود چنین شرطی در بیع سلف این است که دین و مؤجل بودن مبیع قطعی و از خصوصیات این بیع است بنابراین در صورتی که ثمن هم دین و مؤجل باشد چنین بیعی، بیع دین به دین و باطل خواهد بود.

البته در صورتی که بخشی از ثمن در مجلس عقد تسلیم گردد، معامله در همان مقدار، صحیح و در مابقی باطل خواهد بود (خمينی، بی تا، ج ۱، ص ۵۴۴).

ه) مقدار مبیع و ثمن معلوم باشد؛ بدین معنا که مقدار مبیع و ثمن با وسایلی که عرف تعیین می‌کند مثل کیل (پیمانه)، وزن کردن، شمردن، متر کردن و ... تعیین گردد؛ بنابراین در فروش محصولات کشاورزی در قالب بیع سلف، علاوه بر تعیین مقدار ثمن، می‌بایست هنگام انعقاد قرارداد، مقدار محصولی که مورد معامله قرار می‌گیرد مشخص گردد (جمعی از پژوهشگران زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۳۶۴) و از آنجا که کمیت و کیفیت محصول کشاورزی قبل از برداشت به طور دقیق مشخص نمی‌شود بنابراین بحث از خیارات حقوقی در این بیع، مطرح می‌گردد.

برخی از فقها علاوه بر شرایط فوق‌الذکر، مثلی بودن مبیع را نیز شرط لازم بیع سلف بیان نموده‌اند (ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸، ص ۲۴۱). از آنجا که محصولات کشاورزی اموال مثلی محسوب می‌شوند بنابراین فروش این محصولات در قالب بیع سلف از این منظر امکان‌پذیر خواهد بود.

۲. بررسی جریان خیارات در بیع سلف محصولات کشاورزی

اصل در عقود، لازم بودن آن‌هاست (عمیدی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۶۲۵) لذا تنها به دو طریق اقاله و خیار، قابل انحلال خواهند بود. از آنجا که بیع سلفی محصولات کشاورزی نیز جزء عقود لازم محسوب می‌شود بنابراین فقط به طُرُق فوق‌الذکر قابل فسخ خواهد بود که در این مجال، به مبحث خیارات در بیع مذکور پرداخته می‌شود.

خیار در لغت، اسم مصدر از اختیار، به معنای حق فسخ عقد است (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۱۱) و در لسان فقها، گاه به معنای وسیله‌ای برای دفع ضرر آمده است (محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۴۴۶؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۲، ص ۳۴۱). در اصطلاح علم حقوق

نیز حقی است برای متبایعین یا یکی از آنها که به وسیله آن می‌توان عقد را بر هم زد (مدنی، ۱۳۸۵، ص ۸۴).

با توجه به اینکه مبحث خیار در قانون مدنی ایران، از منابع فقهی اقتباس شده است، برخی خیارها هم در منابع فقهی و هم در قانون مورد بحث واقع شده‌اند و برخی دیگر، فقط در منابع فقهی مورد بررسی قرار گرفته‌اند که در ادامه، هر بخش از این خیارها، به طور مجزا مورد کنکاش قرار می‌گیرد.

۲-۱. وضعیت خیارها مشترک در بیع سلف محصولات کشاورزی

۲-۱-۱. خیار مجلس

مطابق ماده ۳۹۷ قانون مدنی، «هر یک از متبایعین بعد از عقد فی‌المجلس و مادام که متفرق نشده‌اند اختیار فسخ معامله را دارند». وجه تسمیه این خیار به خیار مجلس این است که معمولاً طرفین عقد در محلی جهت انعقاد قرارداد جلوس می‌نمایند و این تسمیه از باب استعمال جزء و اراده کل می‌باشد زیرا منعقد نمودن عقد اعم از این است که متعاقبین در محلی بنشینند یا ایستاده و یا در حال راه رفتن باشند. بدین جهت بهتر است این خیار را خیار عدم تفرق نامید یعنی تا زمانی که طرفین عقد از یکدیگر جدا نشده‌اند، حق فسخ برای آنها باقی است و عبارات به کار رفته در لسان فقها مانند «یثبت للمتبايعین ما لم یتفرقا» نیز مؤید این نظر می‌باشد (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۹؛ علامه حلی، ۱۴۱۱، ص ۹۷).

نکته اول و مهم اینکه در انعقاد قرارداد فروش محصولات کشاورزی در قالب بیع سلف که محصول در آن به صورت مؤجل (مدت‌دار) است و در مجلس عقد قبض نمی‌شود، خیار مجلس وجود دارد زیرا مطابق ماده مذکور، شرط خیار مجلس، حضور طرفین عقد (کشاورز و خریدار محصول) در مجلس عقد و عدم جدایی آنها از یکدیگر است و قبض و اقباض مبیع و ثمن فی‌المجلس شرط نیست. همچنین ناگفته نماند که این

خیار در صورت تفرق اختیاری کشاورز و خریدار از یکدیگر ساقط می‌گردد بنابراین در صورت اکراه توسط یک عامل بیرونی، تا زوال گره، خیار از طرف مکره باقی است. مطلب آخر اینکه در صورتی که کشاورز یا خریدار در انعقاد قرارداد سلف محصولات کشاورزی، وکیل اختیار نمایند، خیار مجلس با جدا شدن وکیل از طرف دیگر از بین خواهد رفت؛ و اگر وکیل، وکالت طرفین عقد را بر عهده داشته باشد یعنی هم وکیل کشاورز در فروش و هم وکیل خریدار در خرید محصولات در قالب سلف باشد، اقوی این است که خیار مجلس وجود نخواهد داشت (مدنی، ۱۳۸۵، ص ۸۷) زیرا اولاً با هم بودن و تفرق در اینجا متصور نیست و ثانیاً در موارد مشکوک، اصل عدم جاری می‌شود یعنی اصل بر نبود و عدم خیار مجلس است.

۲-۱-۲. خیار حیوان

مطابق ماده ۳۹۸ قانون مدنی، «اگر مبیع حیوان باشد، مشتری تا سه روز از حین عقد، اختیار فسخ معامله را دارد». با توجه به ظاهر ماده مذکور ممکن است برداشت شود که در فروش محصولات کشاورزی در قالب سلف، چنین خیاری وجود ندارد زیرا مبیع در این نوع معاملات، محصول کشاورزی است و ماده فوق‌الذکر، این خیار را مختص به موردی دانسته که مبیع حیوان باشد؛ اما بنا بر نظر مشهور فقها، خیار حیوان برای بایع و خریدار ثابت است در صورتی که مبیع و ثمن حیوان باشد و همچنین ثابت است برای فقط بایع، اگر ثمن حیوان باشد (شهید ثانی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۴۵۰)؛ بنابراین در صورتی که در فروش محصولات کشاورزی در قالب سلف، ثمن معامله حیوان باشد، این خیار تا سه روز برای کشاورز از حین عقد وجود خواهد داشت.

نکته مهم اینکه شرط وجود این خیار، زنده بودن حیوان است بنابراین اگر خریدار چندین لاشه حیوان ذبح شده یا ماهی صید شده بی‌جان را به عنوان ثمن به کشاورز تسلیم نماید، خیار حیوان برای کشاورز ثابت نمی‌شود زیرا ثمن در اینجا در حقیقت

گوشت حیوان است نه حیوان زنده (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۸۳؛ شهیدی، ۱۳۸۵، ص ۵۱).

۲-۱-۳. خیار شرط

خیار شرط به حسب آن چیزی است که در متن عقد شرط شده است و باید مدت آن مضبوط و مشخص باشد (فاضل آبی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۵۸). همچنین ماده ۳۹۹ قانون مدنی در این زمینه بیان می‌کند: «در عقد بیع ممکن است شرط شود که در مدت معین برای بایع یا مشتری یا هر دو یا شخص خارجی اختیار فسخ معامله باشد» که در چنین صورتی، صاحب خیار شرط می‌تواند در مدت خیار، عقد را فسخ نماید. مدت خیار از حیث قلت و کثرت محدود به حدی نیست زیرا وضع آن از نظر حاجت متعاملین بوده و حاجت، به اختلاف اشخاص و احوال، مختلف می‌شود اما به هر حال مدت باید منضبط باشد (بروجردی عبده، ۱۳۸۰، ص ۱۸۹). نکته اساسی اینکه چنین خیاری در اکثر عقود از جمله بیع سلف محصولات کشاورزی جاری می‌شود (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۲) به جز عقد نکاح، وقف و ضمان (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ص ۳۱۸). در صورت شرط نمودن چنین خیاری در بیع سلف محصولات کشاورزی، قاعداً می‌بایست مدت خیار تعیین گردد (فاضل آبی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۵۱) زیرا مطابق ماده ۴۰۱ قانون مدنی، اگر برای خیار شرط مدت معین نشده باشد، هم خیار و هم بیع باطل خواهند بود. نکته مهم اینکه در صورت عدم ذکر ابتداء خیار مذکور در بیع سلف محصولات کشاورزی، با توجه به اینکه زمان تحویل محصولات در آینده است، ممکن است زمان شروع خیار، همان زمان تحویل محصولات لحاظ گردد به دلیل اینکه عقد در آن زمان کامل می‌گردد؛ اما با توجه به اطلاق ماده ۴۰۰ قانون مدنی، تاریخ ابتدای مدت خیار در صورت عدم ذکر، همان تاریخ شروع عقد است.

۲-۱-۴. خیار تأخیر ثمن

مطابق ماده ۴۰۲ قانون مدنی و قول برخی از فقها (ر.ک: علامه حلی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۲۸۹؛ شهید اول، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۰۰)، هرگاه مبیع عین خارجی و یا در حکم آن بوده و برای تأدیه ثمن یا تسلیم مبیع بین متبایعین اجلی معین نشده باشد، اگر سه روز از تاریخ عقد بگذرد و در این مدت، نه بایع مبیع را تسلیم مشتری نماید و نه مشتری تمام ثمن را به بایع بدهد، بایع مختار در فسخ معامله می‌شود. مطابق این ماده، یکی از شروط لازمه تحقق این خیار، حال و نقد بودن مبیع و ثمن است؛ به عبارت دیگر، این خیار تنها در عقود نقد محقق می‌شود؛ بنابراین خیار تأخیر ثمن در فروش محصولات کشاورزی در قالب سلف، به دلیل مدت‌دار بودن مبیع، راه ندارد.

۲-۱-۵. خیار رؤیت و تخلف از وصف

هرگاه کسی کالایی را تنها با ذکر اوصاف و بدون مشاهده خریداری کند یا بفروشد، در صورتی که هنگام تسلیم فاقد اوصاف مذکور در عقد باشد، مغبون بین فسخ و امضاء عقد مختار است (علامه حلی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۲۹۰)؛ البته در صورتی که مبیع بهتر از آن چیزی باشد که توصیف شده، مشتری خیار نخواهد داشت (بروجردی عبده، ۱۳۸۰، ص ۱۹۵). مطابق ماده ۴۱۴ قانون مدنی، خیار رؤیت و تخلف از وصف تنها در عین خارجی و یا چیزی که در حکم آن است تصور می‌شود و در مبیع کلی قابل تصور نیست.

در مورد فروش محصولات کشاورزی در قالب بیع سلف و جریان این خیار در آن، باید بین دو امر ذیل تفکیک قائل شد:

الف) فروش محصول قبل از ظهور و آشکار شدن

ب) فروش محصول پس از مرحله ظهور و بلکه پس از بدو صلاح (صلاحیت میوه شدن)

باید گفت در مورد (الف) که مبیع کلی صرف است، این خیار در بیع مذکور متصور نیست و در صورتی که محصول فاقد اوصاف مذکور در بیع سلف باشد، مشتری نمی‌تواند بر اساس خیار تخلف از وصف عقد را فسخ نماید بلکه در چنین موردی تنها حق دارد کشاورز را ملزم به تعویض محصول به محصول دارای شرایط مذکور در عقدنامه نماید. اما در مورد (ب) چون مبیع در حکم عین معین است، می‌توان خیار رؤیت و تخلف از وصف را در آن تصور نمود و در این صورت است که احکام خاصه خیار فوق‌الذکر در آن جاری خواهد شد. بر این اساس، طبق ماده ۴۱۰ قانون مدنی، اگر محصول فاقد اوصاف مذکور در عقدنامه باشد، مغبون حق فسخ خواهد داشت. البته مغبون در اینجا صرف خریدار نیست بلکه کشاورز نیز ممکن است مغبون گردد. مطابق ماده ۴۱۳ قانون مدنی، در صورتی که محصول دارای اوصاف پایین‌تر باشد، خریدار حق فسخ خواهد داشت و در صورت عکس، کشاورز دارای حق فسخ خواهد بود.

خیار رؤیت و تخلف از وصف بعد از رؤیت فوری است (سبحانی، ۱۴۱۴، ص ۳۰۹؛ کیدری، ۱۴۱۶، ص ۲۰۰) یعنی پس از کشف واقع، صاحب خیار (خریدار یا کشاورز) می‌بایست فوراً معامله را فسخ نماید و در غیر این صورت، خیار او ساقط خواهد شد. البته باید تذکر داد که منظور از فوریت، فوریت عرفی است نه فوریت فلسفی و عقلی (شهیدی، ۱۳۸۵، ص ۵۷). فوریت عقلی و فلسفی یعنی اینکه بلافاصله و در لحظه پس از آگاهی از وجود خیار، صاحب خیار آن را اعمال کند و اگر از لحظه مذکور بگذرد خیار ساقط شود اما فوریت عرفی یعنی پس از آگاهی از وجود خیار، به اندازه‌ای که عرف زمان تعیین می‌کند، وقت برای اعمال این حق وجود داشته باشد. نکته آخر اینکه در چنین خیاری، صاحب خیار فقط حق فسخ نمودن عقد یا قبول همان وضعیت را دارد بنابراین در موردی که در بیع سلف محصولات کشاورزی این خیار را متصور بدانیم، صاحب خیار نمی‌تواند با قبول بیع، از طرف مقابل در ازای ضرر خود درخواست ارجش کند.

۲-۱-۶. خیار غبن

غبن در لغت به معنای فریب دادن و در اصطلاح به معنای فروختن یا خریدن کالا به قیمت غیر واقعی است (شهید ثانی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۴۶۳). مطابق ماده ۴۱۶ قانون مدنی، «هریک از متعاملین که در معامله غبن فاحش داشته باشد پس از علم به غبن می‌تواند معامله را فسخ کند». در توضیح ماده مذکور می‌توان گفت که هرگاه فردی بدون اطلاع از قیمت واقعی مبیع، آن را به قیمتی بیشتر از ارزش واقعی آن خریداری کند و یا برعکس، مالک مبیع بدون آگاهی از قیمت، آن را به کمتر از قیمت واقعی بفروشد، در اینجا فرد مغبون تنها حق فسخ معامله را خواهد داشت و ارزش ثابت نمی‌شود (شهید ثانی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۹۹). از آنجا که فروش محصولات کشاورزی در قالب سلف، نوعی از انواع معاملات محسوب می‌شود بنابراین خیار غبن در صورت اجتماع شرایط، در بیع مذکور نیز جریان می‌یابد؛ مثلاً هرگاه کشاورز محصول خود را به قیمت بسیار کمتر از قیمت روز انعقاد عقد بفروشد به شرط عدم آگاهی به قیمت واقعی، حق فسخ بیع سلف را خواهد داشت، چه موعد تحویل محصول رسیده یا نرسیده باشد.

از جمله شرایط اساسی خیار غبن آن است که:

الف) غبن فاحش باشد. بر اساس ماده ۴۱۶ قانون مدنی، زمانی فرد مغبون حق فسخ خواهد داشت که غبن فاحش باشد. واژه فاحش به معنای آشکار و ظاهر می‌باشد لذا منظور از غبن فاحش آن‌چنان تفاوت قیمتی است که در عرف قابل مسامحه و چشم‌پوشی نیست (ابن فهد، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۷۴). البته ماده ۴۱۷ قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷، معیار فاحش بودن تفاوت قیمت را یک‌پنجم قیمت واقعی و بیشتر از آن اعلام می‌داشت که در اصلاحیه مصوب ۱۳۶۱، این معیار حذف و ضابطه فاحش بودن به عرف محول گردید.

ب) مغبون عالم به قیمت واقعی نباشد (ماده ۴۱۸ قانون مدنی). در اینجا سؤال اساسی این است که در صورت ادعای مغبون بر آگاه نبودن از قیمت واقعی، آیا قولش مورد

پذیرش واقع می‌شود؟ پاسخ به این پرسش مثبت است زیرا بنا بر اصل استصحاب عدمی، اصل بر عدم آگاهی مغبون از قیمت عادلانه و واقعی است بنابراین طرف قرارداد می‌بایست علم مغبون به قیمت واقعی در زمان عقد را ثابت نماید و قانون نیز همین نظر را پذیرفته است (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ص ۳۲۴). نکته‌ای که نباید از آن غافل شد این است که در این موارد، اوضاع و احوال و تخصص مغبون در اثبات خیار غبن بسیار مهم و اساسی است به این معنا که اگر مغبون شغل و حرفه‌اش به گونه‌ای باشد که امکان عدم آگاهی او از قیمت واقعی وجود نداشته باشد، خیار غبن به نفع او ایجاد نخواهد شد.

ج) ملاک قیمت، ارزش واقعی مبیع در زمان قرارداد است؛ بنابراین در فروش محصولات کشاورزی در قالب سلف که علی‌القاعده زمان عقد و تحویل محصول متفاوت است، ملاک برای ایجاد خیار غبن، تفاوت قیمت فاحش در هنگام عقد است؛ لذا از باب نمونه، اگر کشاورز محصول خود را در قالب بیع سلف به قیمت واقعی و عادلانه در همان زمان انعقاد عقد بفروشد اما در زمان تحویل محصول، قیمت آن محصول بالاتر و یا پایین‌تر شده باشد، کشاورز یا خریدار نمی‌توانند به ادعای تفاوت قیمت و با استفاده از خیار غبن اقدام به فسخ معامله نمایند.

د) خیار غبن پس از علم به غبن فوری است (ماده ۴۲۰ قانون مدنی)؛ بنابراین در بیع سلف محصولات کشاورزی، چه قبل از تحویل محصول به مشتری و چه پس از آن، مغبون به محض آگاهی از غبن می‌تواند از خیار مذکور استفاده کند. البته نکته مهم اینکه در صورت عدم آگاهی از وجود خیار غبن و فوری بودن آن، مطابق ماده ۱۱۳۱ قانون مدنی، این امر در حکم جهل به غبن محسوب می‌شود هرچند اثبات جهل به قانون بر عهده مغبون خواهد بود (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ص ۳۲۵).

نکته دیگر اینکه در صورت اجتماع شرایط فوق‌الذکر، مغبون حق فسخ خواهد داشت و در این صورت، کسی که طرف خود را مغبون کرده است نمی‌تواند با دادن تفاوت قیمت، حق فسخ را از او ساقط نماید و این امر در بیع سلفی محصولات کشاورزی نیز

جریان دارد؛ لذا غابن نمی‌تواند در فاصله بین عقد و تحویل محصول، با دادن تفاوت قیمت، این حق را از صاحب خیار ساقط کند. نکته پایانی اینکه با تصرف کردن، این خیار ساقط نمی‌شود حتی اگر کشاورز ثمن از پیش گرفته شده را مصرف نماید و یا مشتری پس از تحویل محصول در آن تصرف کند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۳، ص ۱۲۵).

۲-۱-۷. خیار عیب

عیب عبارت از هر چیزی است که از خلقت اولیه زیاده‌تر یا کمتر باشد و مقصود از خلقت اولیه، خلقت بیشتر افراد یک نوع است که خلقت مذکور در ذات و صفت بیشتر افراد آن نوع شرط می‌باشد (شهید ثانی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۴۷۳). به عبارت دیگر، عیب عبارت است از وضعیتی در مورد معامله، که بر خلاف وضعیت عادی و در حال سلامت آن باشد (شهیدی، ۱۳۸۵، ص ۶۱). مطابق ماده ۴۲۱ قانون مدنی، اگر بعد از معامله ظاهر شود که مبیع معیوب بوده، مشتری در قبول مبیع معیوب با اخذ ارش یا فسخ معامله مختار است. در صورت اخذ ارش، مشتری به فروشنده مراجعه نموده و نسبت تفاوت قیمت سالم و معیوب مبیع را دریافت می‌نماید (حائری طباطبایی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۴۰؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۲، ص ۱۵۵). البته مطابق ماده ۴۳۵ قانون مدنی، خیار مذکور پس از علم به آن فوری است.

با توجه به مفاد خیار عیب، این خیار مربوط به مبیع معین و خارجی و همچنین ثمن معین می‌باشد لذا در مبیع و ثمن کلی قابل تسری نیست؛ بنابراین در دو صورت خیار مذکور در فروش محصولات کشاورزی در قالب سلف متصور است: نخست زمانی که عقد قرارداد پس از وجود خارجی یافتن محصول باشد که در صورت معیوب بودن مبیع، خریدار صاحب خیار عیب است و دیگری زمانی است که ثمن معین معامله معیوب درآید که در چنین صورتی، کشاورز صاحب خیار عیب خواهد بود. لکن در

یک حالت خیار عیب در فروش محصولات کشاورزی جریان ندارد و آن زمانی است که قرارداد بیع سلف قبل از ظهور محصول منعقد گردد که در چنین حالتی مبیع، کلی در ذمه است و اگر هنگام تحویل، محصول معیوب باشد، مشتری خیار عیب نخواهد داشت بلکه فقط می‌تواند کشاورز را ملزم به ابدال محصول نماید و در صورت عدم امکان، حق فسخ خواهد داشت.

ماده ۴۲۳ قانون مدنی در بیان شرایط خیار عیب مقرر می‌دارد: «خیار عیب وقتی برای مشتری ثابت می‌شود که عیب مخفی و موجود در حین عقد باشد». مطابق این ماده، مخفی و موجود بودن عیب در زمان عقد از شرایط اساسی این خیار ذکر شده است اما باید توجه داشت که مطابق ماده ۴۲۵ قانون مدنی، عیبی که بعد از انعقاد بیع و قبل از تسلیم در مبیع ایجاد شود در حکم عیب قبل از عقد است بنابراین در بیع سلفی محصولات کشاورزی، چنانچه محصول هنگام عقد ظهور یافته و در فاصله بین عقد و تسلیم به مشتری معیوب گردد، مشتری می‌تواند بر اساس خیار عیب، ارزش بگیرد یا معامله را فسخ نماید.

نکته مهم اینکه معیار تعیین قیمت مبیع سالم و معیوب، زمان عقد است اما در مواردی که عیب بعد از عقد و قبل از قبض به مشتری عارض شود - که در بیع سلفی محصولات کشاورزی چنین موردی متصور است - ملاک تعیین ارزش قیمت زمان حدوث عیب است (قاسم‌زاده، ۱۳۸۲، ص ۱۶۰؛ کاتوزیان، ۱۳۹۲، ص ۳۲۸).

مطابق ماده ۴۲۹ قانون مدنی، در موارد ذیل با وجود خیار عیب در بیع سلفی محصولات کشاورزی، صاحب خیار حق فسخ عقد را ندارد و فقط می‌تواند ارزش بگیرد: ۱- در صورت تلف شدن مبیع نزد مشتری یا منتقل کردن آن به غیر؛ ۲- در صورتی که تغییری در مبیع پیدا شود، اعم از اینکه به فعل مشتری باشد یا نه مانند اینکه مشتری محصول گندم را قبض نموده و تبدیل به آرد کرده باشد؛ البته اگر تغییر به گونه‌ای باشد که قابل بازگشت به حالت اول باشد، مشتری پس از بازگرداندن محصول

به حالت اولیه، می‌تواند عقد را فسخ کند؛ ۳- در صورتی که بعد از قبض مبیع، عیب دیگری در آن حادث شود مثل اینکه پس از قبض محصول و عدم نگهداری آن در محل مناسب، عیب جدیدی بر آن عارض شود؛ مگر اینکه عیب حادث در نتیجه عیب قدیم باشد که مشتری در این صورت حق فسخ خواهد داشت (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ص ۳۲۹).

در مواردی نیز خیار عیب به طور کلی ساقط می‌شود:

الف) علم مشتری به وجود عیب هنگام عقد: مطابق ماده ۴۲۴ قانون مدنی، مخفی یا آشکار بودن عیب هنگام عقد، ملاک خیار عیب نیست بلکه مهم، آگاهی مشتری از عیب موجود است لذا در موردی هم که عیب آشکار باشد و مشتری به دلیلی مثل اهل خبره نبودن در آن زمینه بر آن علم نیابد، حق فسخ و یا ازش خواهد داشت.

ب) تبرّی جستن فروشنده از عیوب: مطابق ماده ۴۳۶ قانون مدنی، در صورتی که فروشنده هنگام انعقاد عقد خود را از عیوب مبیع تبری نموده باشد و یا مبیع را با تمام عیوب بفروشد، مشتری در صورت ظهور عیب حق رجوع به فروشنده نخواهد داشت. البته به نظر می‌رسد در مورد بیع محصولات کشاورزی در قالب سلف، تبری کشاورز از عیوب محصول، موجب اسقاط حق خیار عیب از مشتری نشود چراکه ممکن است با توجه به سلفی بودن عقد و مدت‌دار بودن تسلیم مبیع، در فاصله بین عقد و قبض محصول عیبی بر محصول عارض شود در حالی که تبرّی کشاورز ناظر بر عیوب موجود در زمان انعقاد عقد می‌باشد.

۲-۱-۸. خیار تدلیس

تدلیس بر وزن تفعلیل از ریشه «دلس» مشتق شده است و در لغت به معنای تاریکی است و گویا تدلیس کننده امر را بر فروشنده یا خریدار تاریک نموده و مبهم و پوشیده می‌گرداند تا آن را غیر واقعی جلوه دهد (شهید ثانی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۳۰۹) و در

اصطلاح مطابق ماده ۴۳۸ قانون مدنی، تدلیس عبارت از عملیاتی است که موجب فریب طرف معامله می‌شود.

نکته مهم و قابل توجه اینکه خیار تدلیس در مبیعی محقق می‌گردد که وجود خارجی یافته است (قاسم‌زاده، ۱۳۸۲، ص ۱۶۳) لذا در صورتی در بیع سلفی محصولات کشاورزی جریان می‌یابد که بیع مذکور پس از ظهور محصول و وجود یافتن آن، منعقد گردد. البته در طرف مقابل محصول - یعنی ثمن معامله - اگر عین معین باشد، این خیار وجود خواهد داشت.

خیار تدلیس با وجود شرایطی تحقق می‌یابد: ۱- عملیاتی صورت گرفته باشد که طبق آن، یک صفت کمالی را که در مبیع وجود ندارد، نشان دهد و یا یک صفت پست را مخفی نماید مثل اینکه در فروش محصولی مانند انار، با انجام عملیاتی همانند رنگ قرمز زدن به پوست میوه‌ها، هنگام رؤیت مشتری آن‌ها را بهترین انار معرفی نماید و در قالب سلف آن‌ها را به فروش رساند؛ ۲- عملیات مزبور باعث فریب و گول خوردن طرف مقابل گردد بنابراین در صورت آگاهی طرف مقابل از شرایط مبیع و یا ثمن، خیار مذکور تحقق نخواهد یافت؛ ۳- عملیات فریب دهنده باید پیش از معامله باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ص ۳۳۲) بنابراین در بیع سلفی محصولات کشاورزی، عملیات مزبور می‌بایست قبل از انعقاد قرارداد انجام شده باشد و در صورتی که پس از قرارداد و تا قبل از تحویل چنین تدلیسی صورت گرفته باشد، خیاری جریان پیدا نخواهد کرد زیرا محصول زمان انعقاد قرارداد وجود خارجی یافته و مشتری بر صفات واقعی آن واقف شده است و تدلیس پس از آن بی‌فایده بوده و موجب فریب و رغبت طرف مقابل به انجام معامله نمی‌شود. عملیات فریب می‌تواند علاوه بر فعل، به صورت گفتار یا کتمان حقیقت باشد؛ به طور مثال اگر کشاورز با گفتار خود محصولی را که در قالب سلف فروخته از بهترین نوع جلوه دهد و یا حقیقت نوع آن را بیان نکند و از این طریق مشتری فریب بخورد، تدلیس تحقق یافته است.

باید اشاره کرد که در صورت تدلیس هرکدام از فروشنده و یا خریدار، صاحب خیار فقط حق فسخ عقد را خواهد داشت و نمی‌تواند به استناد خیار مذکور، طلب ارش نماید (شهید اول، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۲۷۶).

نکته آخر اینکه خیار تدلیس فوری است (فاضل مقداد، ۱۴۰۳، ص ۳۶۶) بنابراین صاحب خیار باید پس از آگاهی از آن، به مدتی که عرف برای فسخ عقد به او زمان می‌دهد عقد را فسخ نماید و در غیر این صورت، حق خیار از او ساقط می‌شود.

۲-۱-۹. خیار تبعض صفقه

در تعریف لغوی این خیار باید گفت تبعض به معنای بعض بعض شدن است و صفقه به معنای بیع است. وجه تسمیه بیع به صفقه این است که اعراب به هنگام معامله، دست‌های خود را به هم می‌زدند و این دست به دست زدن را نشانه رضایت به بیع می‌دانستند (شهید ثانی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۵۱۰). معنای اصطلاحی خیار تبعض صفقه نیز از معنای لغوی آن به دور نمانده است. در صورتی که عقد بیع نسبت به بعض مبیع به جهتی از جهات باطل باشد، مشتری حق خواهد داشت بیع را فسخ کند یا به نسبت قسمتی که بیع واقع شده است آن را قبول کند و نسبت به قسمتی که بیع باطل است ثمن را استرداد نماید.

با توجه به تعریف خیار تبعض صفقه، امکان وجود چنین خیاری در بیع سلفی محصولات کشاورزی متصور است چه اینکه ممکن است محصولی که در قالب بیع سلف به فروش می‌رسد پس از انعقاد عقد -قبل یا بعد از تحویل محصول- کاشف به عمل آید که بخشی از محصول، متعلق به دیگری است. در این حالت معامله در آن بخش فضولی بوده و منوط به اجازه مالک خواهد بود و در صورت عدم اذن مالک آن بخش، تبعض صفقه به وجود خواهد آمد.

البته در زمینه ایجاد اختیار تبعض صفقه در فروش سلفی محصولات کشاورزی، علاوه بر مثال فوق‌الذکر می‌توان به موردی اشاره کرد که عقد مذکور به دلیل عدم مالیت بخشی از محصول باطل باشد؛ مثلاً مجموع محصول پنج تُن انار باشد و پس از عقد مشخص شود که یک تن از آن فاسد و بی‌ارزش است. بنابراین فارغ از اینکه علت بطلان معامله در بخشی از مبیع، عدم مالیت آن بخش یا ملک دیگری بودن و ... باشد، ضابطه ایجاد اختیار مذکور این است که معامله در عقدی واحد صورت گرفته باشد مانند اینکه کشاورز دو نوع محصول را در قالب یک عقد سلف بفروشد و سپس معلوم گردد که یک نوع آن متعلق به دیگری است.

نکته مهم اینکه اختیار تبعض صفقه در فروش محصولات کشاورزی در قالب سلف، منوط به زمان تحویل محصول نیست بلکه پس از عقد، هر زمان که موجب اختیار مذکور به وجود آید ذی‌الخیار حق استفاده از اختیار خواهد داشت. مطابق ماده ۴۴۳ قانون مدنی، تبعض صفقه وقتی موجب اختیار است که مشتری در حین معامله عالم به آن نباشد؛ بنابراین ملاک برای داشتن این اختیار در بیع سلفی محصولات کشاورزی، عدم آگاهی خریدار هنگام انعقاد عقد است هرچند در موعد تحویل محصول، مشتری به وضعیت مبیع آگاهی داشته باشد. البته در صورت علم و آگاهی خریدار به وضعیت موجود در هنگام عقد، خریدار حق فسخ نخواهد داشت اما در هر حال، ثمن تقسیط می‌شود یعنی مشتری ملزم است معامله را نسبت به بخشی که صحیح است قبول کند و ثمن بخشی که باطل است را استرداد نماید.

قانون مدنی ایران در مورد فوریت یا عدم فوریت اختیار تبعض صفقه بیان خاصی ندارد اما به نظر می‌رسد اختیار مذکور نیز فوری باشد زیرا فلسفه وجودی اختیارات، جبران ضرر و خسارت وارده به صاحب اختیار می‌باشد لذا در صورتی که اختیار تبعض صفقه فوری نباشد، تکلیف عقد به نوعی نامعلوم و در حاله‌ای از ابهام خواهد بود و از این جهت، ضرر جدیدی به طرف مقابل عقد وارد خواهد شد.

۲-۱-۱۰. خیار تخلف از شرط

قانون مدنی در ماده ۴۴۴ در بیان احکام خیار تخلف از شرط، به مواد ۲۳۴ الی ۲۴۵ ارجاع داده است. مطابق ماده ۲۳۴ قانون مدنی، شرط بر سه قسم است: ۱- شرط صفت که عبارت است از شرط راجعه به کیفیت یا کمیت مورد معامله؛ ۲- شرط نتیجه که تحقق امری در خارج شرط شود؛ ۳- شرط فعل که اقدام یا عدم اقدام به فعلی بر یکی از متعاملین یا بر شخص خارجی شرط شود.

مطابق ماده فوق، لحاظ نمودن هر شرط جایز و سائغ ضمن بیع سلفی محصولات کشاورزی صحیح است و این شرط می‌تواند در قالب یکی از سه مورد مذکور در ماده باشد؛ مثلاً شرط شود محصول در زمان تحویل دارای وصف خاصی باشد (شرط صفت) یا شرط شود که کشاورز محصول را به مبلغی کمتر به خریدار بفروشد و در قبال آن، اتومبیل خریدار از آن فروشنده شود (شرط نتیجه) و یا خریدار فعلی برای فروشنده مانند رنگ‌آمیزی منزل او انجام دهد (شرط فعل).

اما نحوه اعمال خیار تخلف از شرط در هرکدام از شروط مذکور متفاوت است:

الف) در صورت تخلف از شرط صفت و اینکه معلوم شود شرط مذکور در عقدنامه موجود نیست، صاحب خیار حق فسخ خواهد داشت (ماده ۲۳۵ قانون مدنی)؛ مانند اینکه در بیع سلفی محصول کشاورزی شرط شود که مثلاً گوجه‌فرنگی مورد معامله، هنگام تحویل به مشتری کاملاً رسیده و سرخ‌رنگ باشد.

ب) در صورت تخلف از شرط نتیجه، در صورتی که تحقق نتیجه مورد نظر موقوف به سبب خاصی مانند انتقال سند باشد و مشروط‌علیه به شرط وفا نکند، مشروط‌له حق فسخ عقد را خواهد داشت (ماده ۲۳۶ قانون مدنی)؛ مانند اینکه کشاورز، محصول را به قیمت کمتری در قالب سلف بفروشد و شرط کند که خریدار فلان زمین خود را به فروشنده منتقل کند.

ج) در صورت تخلف از شرط فعل -چه اثباتاً و چه نفیاً باشد- مانند اینکه در بیع سلف محصول کشاورزی شرط شود که کشاورز در موعد تحویل، محصول را در محل مورد نظر خریدار تحویل دهد یا شرط شود که مشتری دیوار منزل فروشنده را رنگ‌آمیزی نماید، اگر متعهد برخلاف تعهد خود رفتار نماید: ۱- متعهدله می‌تواند به حاکم رجوع نموده و تقاضای اجبار به وفای شرط نماید (ماده ۲۳۷ قانون مدنی)؛ ۲- در صورتی که اجبار ملتزم به انجام تعهد، غیرمقدور ولی انجام آن به وسیله شخص دیگری مقدور باشد، حاکم می‌تواند به خرج ملتزم، موجبات انجام فعل را فراهم کند (ماده ۲۳۷ قانون مدنی)؛ ۳- نهایتاً در صورتی که فعل مشروط از جمله اعمالی نباشد که دیگری بتواند از جانب متعهد واقع سازد، طرف مقابل حق فسخ معامله را خواهد داشت (ماده ۲۳۹ قانون مدنی). البته اگر بعد از عقد انجام شرط ممتنع شود یا معلوم شود که حین‌العقد ممتنع بوده است، مثلاً کشاورز تعهد نموده که محصول را زمان تحویل در شهری غیر از محل برداشت تحویل دهد اما راه، به دلایلی مانند برف، زلزله و ... مسدود گردد، در چنین مواردی کسی که شرط به نفع او شده، اختیار فسخ معامله را خواهد داشت. نکته دیگر اینکه از آنجا که در بیع سلف محصولات کشاورزی، مشتری ثمن معامله را در مجلس عقد می‌پردازد و محصول را بعداً تحویل می‌گیرد، وی می‌تواند تا زمان تحویل گرفتن مبیع، شرط رهن و یا ضامن نماید که در این صورت اگر کشاورز به شرط مذکور عمل نکند مشتری حق فسخ خواهد داشت (ماده ۲۴۱ قانون مدنی).

۲-۲. اختیارات اختصاصی مذکور در منابع فقهی

۲-۲-۱. خیار مایفسد لیومه

خیار چیزی که در همان روز فاسد می‌شود، بدین معناست که اگر مبیع از نوع مواد فاسدشدنی باشد مانند محصولات کشاورزی، در صورتی که مشتری ثمن را نپردازد، با داخل شدن به شب، خیار فسخ برای فروشنده ثابت می‌شود (ابن بابویه، ۱۴۱۵،

ص ۳۶۵؛ شهید ثانی، ۱۴۱۹، ص ۶۱۴). با این وصف، در بیع سلفی محصولات کشاورزی، چنین خیاری متصور نیست زیرا همان‌گونه که گذشت در بیع مذکور، ثمن معامله نقداً و فی‌المجلس به فروشنده تحویل داده می‌شود و محلی برای اجرای این خیار در بیع مذکور باقی نخواهد ماند.

۲-۲-۲. خیار تفلیس

تفلیس در لغت به معنای ورشکستگی است و خیار تفلیس بدین معناست که هرگاه مشتری قبل از آنکه ثمن معامله را بپردازد ورشکسته شود، فروشنده می‌تواند در صورت موجود بودن مال نزد مشتری، از خیار تفلیس استفاده نماید و معامله را فسخ نموده، کالای خود را مسترد نماید که در این صورت جزء غرماء محسوب نمی‌شود و مال خود را بر می‌دارد (مراغی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۹۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۵۱۱؛ مغنیه، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۲۳۰). این خیار نیز در بیع سلفی محصولات کشاورزی جاری نمی‌شود زیرا مشتری در زمان انعقاد عقد مذکور، ثمن معامله را به طور کامل می‌پردازد.

۳. احکام کلی خیارات در بیع سلفی محصولات کشاورزی

۳-۱. تعدد خیارات در بیع واحد سلفی محصولات کشاورزی

همان‌طور که بیان گردید فلسفه وجودی انواع خیارات حقوقی، جبران خسارت وارده و ایجاد حق فسخ برای ذی‌الخیار است که گاهی ممکن است طرفین معامله و گاهی یک طرف، از جهات متعدد دارای این حق بشود (شهیدی، ۱۳۸۵، ص ۷۱). به عبارت دیگر، در مواردی ممکن است یک فرد دارای چندین خیار در یک زمان باشد که در صورت فسخ معامله، انتخاب نوع خیار بستگی به نظر و رأی صاحب خیار خواهد داشت؛ به عنوان نمونه در فروش محصول کشاورزی در قالب سلف، کشاورز به عنوان فروشنده می‌تواند در حین انعقاد قرارداد از خیار مجلس استفاده کند، در همین حال اگر ثمن معامله حیوان باشد، صاحب خیار حیوان هم خواهد بود و در صورتی که خریدار در

عقد مذکور تعهد به انجام فعلی نموده اما وفاء به عهد نکند، کشاورز از این حیث نیز دارای حق فسخ می‌باشد. البته هرچند انتخاب نوع خیار جهت فسخ عقد بر عهده صاحب خیار است اما ذی‌الخیار باید توجه داشته باشد که انتخاب هر خیاری ممکن است دارای آثار متفاوتی با دیگر اختیارات داشته باشد؛ به عنوان مثال در فرض بالا، در صورتی که کشاورز بخواهد خیار شرط را اعمال نماید می‌بایست مراحل مختلفی را طی کند تا بتواند عقد را فسخ نماید اما در صورت اعمال خیار مجلس یا خیار حیوان می‌تواند بلافاصله عقد مذکور را فسخ نماید.

۳-۲. مالی بودن ماهیت اختیارات

با توجه به اینکه ماهیت اختیارات حقوقی، مالی است (حسینی روحانی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۱۲۳) لذا با موت هر یک از طرفین عقد، به ارث می‌رسند. شیخ انصاری بر این مطلب ادعای اجماع نموده و آن را قابل اسقاط و به ارث رسیدن به وراثت می‌داند (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۵۵)؛ بنابراین در صورت وجود خیار برای کشاورز یا خریدار در بیع سلف، در فرض موت ذی‌الخیار، حق خیار به وراثت وی خواهد رسید. البته با توجه به قابل اسقاط بودن خیار، مطابق ماده ۴۴۸ قانون مدنی، طرفین عقد می‌توانند اسقاط کلیه اختیارات و یا برخی از آن‌ها را ضمن عقد سلف شرط نمایند که در چنین صورتی، به ارث رسیدن اختیارات اسقاط شده نیز منتفی خواهد بود.

۳-۳. تقدم قول فاسخ بر امضاء کننده

در اختیارات مشترک مانند خیار مجلس که متبایعین هر دو حق خیار دارند، اگر یکی از آن‌ها با استفاده از خیار، عقد را فسخ کند و دیگری آن را امضاء کرده و قبول کند، قول فسخ کننده عقد (فاسخ) مقدم خواهد بود (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۲۱۵؛ رشتی، ۱۴۰۷، ص ۴۳). باید اشاره کرد که مطابق ماده ۴۴۹ قانون مدنی، فسخ عقد به هر لفظ یا

فعلی که دلالت بر آن نماید حاصل می‌شود مانند اینکه در مجلس عقد، کشاورز بگوید: «عقد را فسخ می‌کنم» (فسخ قولی) یا اینکه در مجلس عقد، مشتری ثمن معامله را پس گرفته و قرارداد را امحاء نماید (فسخ فعلی).

جمع‌بندی

از مجموع مباحث فوق‌الذکر می‌توان نتیجه گرفت که محصولات کشاورزی به دلیل انطباق با شرایط خاص بیع سلف و داشتن ماهیت مثلی، قابلیت فروش در قالب بیع سلف را دارند و عدم تعیین میزان دقیق محصول هنگام انعقاد این بیع، موجب طرح موضوع اختارات حقوقی در آن می‌شود. بیع سلفی محصولات کشاورزی از زمره عقود لازم محسوب می‌شود لذا منحصراً به دو طریق اقاله و خیار قابل فسخ خواهد بود. با توجه به ماهیت و شرایط خاص اختارات حقوقی و بیع سلف محصولات کشاورزی، ورود اختارات در بیع مذکور، به سه نحو متصور است:

الف) اختاراتی که به طور کلی در بیع سلف محصولات کشاورزی تحقق نمی‌یابند؛ این اختارات عبارت‌اند از: خیار تأخیر ثمن، خیار آنچه در روز فاسد می‌شود و خیار تقلیس. ب) اختاراتی که بدون شرط مضاف و مانند دیگر عقود، در بیع مذکور جاری می‌شوند؛ این اختارات عبارت‌اند از: خیار مجلس، خیار شرط، خیار غبن، خیار تبعض صفت و خیار تخلف از شرط.

ج) اختاراتی که علاوه بر شرایط عمومی، برای تحقق یافتن در بیع سلفی محصولات کشاورزی، نیازمند وجود شرایط مضاف هستند؛ این اختارات عبارت‌اند از: ۱- خیار حیوان: به شرط اینکه ثمن معامله حیوان زنده باشد که در این صورت خیار حیوان فقط برای کشاورز به عنوان فروشنده محصول و آخذ ثمن ثابت می‌گردد؛ ۲- خیار رؤیت و تخلف از وصف: به شرط اینکه فروش محصول کشاورزی در قالب سلف پس از ظهور و وجود یافتن باشد؛ ۳- خیار عیب: به این شرط که محصول فروخته شده هنگام انعقاد

۶۰ دوفصلنامه علمی - تخصصی پژوهش‌نامه میان‌رشته‌ای فقهی، سال پنجم، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۶، پیاپی ۱۰

قرارداد، ظهور یافته و هنگام تسلیم به مشتری، معیوب درآید؛ ۴- خیار تدلیس: به شرط ظهور محصول حین انعقاد قرارداد.

کتابنامه

- ابن ادریس، محمد بن منصور (۱۴۱۰ق)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۵ق)، المقنع، قم: مؤسسه امام هادی (ع).
- ابن حمزه طوسی، محمد بن علی (۱۴۰۸ق)، الوسیله إلى نیل الفضیله، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- ابن فهد حلّی، احمد بن محمد (۱۴۰۷ق)، المذهب البارع فی شرح المختصر النافع، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق)، مجمع الفائدۀ و البرهان فی شرح ارشاد الأذهان، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ق)، کتاب مکاسب، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- بروجردی عبده، محمد (۱۳۸۰)، حقوق مدنی، تهران: انتشارات مجد.
- جمعی از پژوهشگران زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی (۱۴۱۷ق)، معجم فقه الجواهر، بیروت: الغدیر للطباعة و النشر و التوزیع.
- حسینی روحانی، سید محمد (۱۴۲۰)، المرتقی إلى الفقه الأرقی (کتاب الخیارات)، تهران: مؤسسه الجلیل للتحقیقات الثقافیة (دار الجلی).
- رشتی، میرزا حبیب الله (۱۴۰۷ق)، فقه الإمامیة (قسم الخیارات)، قم: کتابفروشی داوری.
- ره بیک، حسن (۱۳۸۷)، حقوق مدنی (عقود معین)، تهران: انتشارات خرسندی.
- سبحانی، جعفر (۱۴۱۴ق)، المختار فی أحكام الخیار، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۰ق)، اللمعة الدمشقیة فی فقه الإمامیة، قم: دار التراث-الدار الإسلامیة.
- شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۴ق)، غایة المراد فی شرح نکت الإرشاد، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۲ق)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۳ق)، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، قم: موسسه المعارف الاسلامیة.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۹ق)، فوائد القواعد، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- شهیدی، مهدی (۱۳۸۵)، حقوق مدنی (عقود معین)، تهران: انتشارات مجد.
- شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۷ق)، الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۴ق)، حاشیة الإرشاد، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- طباطبایی حائری، سید علی (بی‌تا)، ریاض المسائل فی تحقیق الأحكام بالدلائل، قم: مؤسسه آل‌البتی علیهم السلام.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، الخلاف، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- عراقی، ضیاء‌الدین (۱۴۱۴ق)، شرح تبصرة المتعلمین، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۱ق)، تبصرة المتعلمین فی أحكام الدین، تهران: مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ق)، تذکرة الفقهاء، قم: مؤسسه آل‌البتی علیهم السلام.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰ق)، تحریر الأحكام الشرعیة علی مذهب الإمامیة، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- عمیدی، سید عمید الدین بن محمد (۱۴۱۶ق)، کنز الفوائد فی حل مشکلات القواعد، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- فاضل آبی، حسن بن اَبی طالب (۱۴۱۷ق)، کشف الرموز فی شرح مختصر النافع، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله (۱۴۰۳ق)، نضد القواعد الفقہیة علی مذهب الإمامیة، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- قاسم زاده، سید مرتضی و همکاران (۱۳۸۲)، تفسیر قانون مدنی، تهران: انتشارات سمت.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۲)، قانون مدنی در نظم کنونی، تهران: نشر میزان.
- کاشف الغطاء، علی بن جعفر (۱۴۲۲ق)، شرح خیارات اللمعة، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- کیدری، محمد بن حسین (۱۴۱۶ق)، إصباح الشیعة بمصباح الشریعة، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- محقق حلّی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- محقق کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴ق)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- مدنی، سید جلال الدین (۱۳۸۵)، حقوق مدنی (عقود معین)، تهران: انتشارات پایدار.
- مراغی، سید میرعبدالفتاح (۱۴۱۷ق)، العناوین الفقہیة، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۱ق)، فقه الإمام الصادق علیه السلام، قم: مؤسسه انصاریان.
- موسوی خمینی، سید روح الله (بی تا)، تحریر الوسیلة، قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار احیاء تراث العربی.